

جایگاه و نقش مکتب کوفه در بنیان‌گذاری و شکوفایی علمی در تمدن اسلامی (از ورود امام علی (ع) تا تاسیس حوزه علمی بغداد)

احمد رضا بنیافرا

عضو هیات علمی گروه آموزشی معارف اسلامی
دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

چکیده:

در شکوفایی علمی در تمدن اسلامی، ملل، مکاتب و شخصیت‌های مختلف تأثیرگذار بودند. از جمله مکتب علمی کوفه و اندیشمندان آن که با توجه به ساختار جمعیتی ایرانی - عربی (یمنی - نزاری) و حضور حضرت علی (ع) و امام صادق (ع) در این شهر موجب تحرک علمی و پیدایش و شکوفایی علوم مختلف گردید.

در مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای به پیدایش مکتب علمی کوفه و نقش دانشمندان آن در تمدن اسلامی از ورود امام علی (ع) تا تاسیس حوزه علمی بغداد پرداخته شده و نتیجه‌ی حاصله آن است که آغاز تدوین در علوم مانند تفسیر، کلام، فقه مربوط به کوفه و حوزه‌ی علمی آن است و در مدون کردن سایر علوم و انتشار و شکوفایی آن نیز نقش بسزایی داشت. میراث کوفه بعدها به سایر حوزه‌های علمی از جمله بغداد انتقال یافت.

کلید واژه: مکتب کوفه - تمدن اسلامی - شکوفایی علمی - امام علی (ع) - حوزه بغداد

مقدمه:

تدوین و شکوفایی علوم در تمدن اسلامی با زمینه‌ها و عوامل متعدد همراه بوده است. از یک طرف زمینه‌های داخلی به ویژه تأثیر قرآن و سنت معصومین و از طرف دیگر عوامل خارجی همچون فتوحات و آشنایی مسلمانان با مناطق جدید و علم و تمدن آن‌ها نقش داشته است. پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) و با توجه به زمینه‌سازی اندیشه‌های قرآنی، فتح ایران و شام، و سایر مناطق تحرک علمی جدیدی در جامعه‌ی اسلامی ایجاد نمود.

بنای شهرهای جدید در حین فتوحات به ویژه بصره و کوفه که به لحاظ موقعیت جغرافیایی و نیز ترکیب جمعیتی و شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی از سایر مناطق متمایز بود، تحرک علمی ایجاد شده را دو چندان کرد. به طوری که هر یک از این دو شهر تازه تأسیس به تدریج به یک قطب علمی تبدیل شده و در این میان کوفه به ویژه به عنوان مرکز حکومت در زمان امام علی (ع) و نیز اقامت دو ساله‌ی امام صادق (ع) توانست در پیدایش و شکوفایی علمی در تمدن اسلامی نقش بارزی ایفاء نماید. با فعالیت مسجد کوفه به عنوان مرکز ثقل دانش و نقش هدایتی ائمه (ع)، تلاش بی‌وقفه‌ی یمنی‌های ساکن در شهر و صحابه‌ی رسول الله (ص) مکتب علمی کوفه به وجود آمد و به علوم مختلف از جمله علوم قرآنی، ادبی، حدیث، فقه، کلام و حتی طب، کیمیا، ریاضیات و نجوم پرداخته شد. به طور کلی مکتب روش معین یا نظریه‌ی مشترک گروهی از اندیشمندان، پژوهشگران و فلاسفه است که از حیث محتوا و اهداف به دو دسته مکتب نگرشی و مکتب نگارشی تقسیم می‌شود. مکتب نگرشی بنابر علل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و دینی تسلط یافته و خود را نمایانده است و اختراع یک یا چند تن از برگزیدگان و نوابغ نیست مانند مکاتب یونانی و رومی ولی در مکتب نگارشی دانش توسط چند تن از اندیشمندان به ظهور رسیده و انتشار می‌یابد و اگر چه نمی‌توان نقش و تاثیر عوامل سیاسی، دینی و اجتماعی را در پدید آوردن این گونه مکاتب نفی کرد، ولی باید گفت که موسس یا موسسان و مروجان این مکتب از این عوامل بهره جسته و پدید آورنده و ترویج دهنده آن هستند. از این جهت مکتب علمی کوفه در زمره مکاتب نگارشی است

در منابع متقدم و تحقیقات متأخر به صورت مستقل به تاثیر مکتب علمی کوفه و دانشمندان آن در پیدایش و شکوفایی علوم در تمدن اسلامی کمتر پرداخته شده است و بیشتر از حیث تاریخ نگاری و بعضاً حدیث و فقه به آن نگریسته شده و کمتر به نقش علمی این مکتب در شکل‌گیری

وشکوفایی سایر علوم توجه گردیده است. از این جهت در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع و تحقیقات متقن سئوال اصلی آن است که کوفه و مکتب علمی آن در دوران حیات خود در پیدایش علوم مختلف و انتشار آن در تمدن اسلامی چه نقشی داشته است؟ و جایگاه اندیشمندان کوفی در رشد و پیشبرد علمی در تمدن اسلامی چه بود؟

- بنای شهر کوفه و ویژگی‌های آن

شهر کوفه در سال هفدهم هجری (یا قوت حموی، ۱۳۹۹، ۴/۴۹۱؛ یعقوبی، ۱۳۵۶، ۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ۱۴۷/۳) به عنوان یک پایگاه نظامی به دست سعدبن ابی وقاص و پس از موافقت خلیفه‌ی دوم با تأسیس آن، پایه‌گذاری شد. در رابطه‌ی با علت پیدایش شهر گفته‌اند که: پس از شکست ایرانیان و تسخیر شهر مدائن (تیسفون) به دست اعراب، سعدبن ابی وقاص فرماندهی سپاه اسلام چند صحابی را نزد عمر فرستاد تا مؤده‌ی فتح را به او ابلاغ کنند. عمر فرستادگان سعد را زرد، زار و نزار دید و همین که سبب را پرسید گفتند: بدی آب و هوای عراق ما را چنین کرده است. عمر فرمان داد سرزمینی برای اقامت مسلمانان در نظر بگیرند که با مزاج آنان سازگار باشد و اتفاقاً هر جایی که شتران عرب خوش و سالم باشند خود آنان نیز در آنجا سلامت خواهند زیست (بلادری، ۱۴۰۴: ۲۷۵؛ جرجی زیدان، ۱۳۶۹: ۲۸۵). بنابراین کوفه دارالهجره‌ای در حاشیه‌ی سرزمین‌های مفتوحه محسوب می‌شد که هم کانونی برای مهاجران و هم پایگاهی نظامی برای مقابله با دشمن بود (جعیط، ۱۳۸۱، ۸). سعدبن ابی وقاص برای تعیین محل مناسب شهر «حذیفه‌بن یمان و سلمان» را فرستاد و آن دو نیز ریگ‌زار کوفه را انتخاب کردند و سپس در محرم همان سال از مدائن وارد کوفه شد و شهر را طرح‌ریزی کرد. وی مسجد و دارالعماره را در مکانی بلند قرار داد و در جهات اصلی معابر بزرگ را تعیین نمود و محلات را میان معابر قرار داد (منتظر القائم، ۱۳۸۶: ۲۸۵)

به تدریج کوفه به دلیل ساختمان‌هایی که معماران ایرانی در آن بنا کردند رو به آبادی گذاشت و به خاطر مرکزیت جغرافیایی‌اش در سرزمین اسلام و دارا بودن ویژگی‌های زندگی شهری و بیابانی به صورت توأمان به عنوان مرکز حکومت اسلامی از جانب علی(ع) برگزیده شد. هر چند که با تأسیس دولت اموی در شام، کوفه جایگاه ممتاز خویش را از دست داد ولی به عنوان مرکز عراق و افسین موقعیت سیاسی خود را در این دوره حفظ کرد.

اگر بصره به سبب تجارت ممتاز شد، کوفه را سیاست برجستگی بخشید. از نظر علمی هم کوفه یکی از دو شهر مهم عراق بود که شهرت دانشمندان آن در فقه و علوم دینی، لغت و نحو از دانشمندان بصره کمتر نبود. کوفه از قرن چهارم هجری رو به انحطاط نهاد و امروزه نجف میراث‌دار علمی و فرهنگی آن است (الرفاعی، ۱۳۸۴، ۲۶).

- پیدایش مکتب علمی کوفه

مسجد جامع کوفه به عنوان یک مکان عبادی - آموزشی جزء مشهورترین دانشگاه‌های عمومی است. این مسجد در سال ۱۷ هجری بنا گردید و «زیادبن ابیه» آن را در سال پنجاه هجری از نو بنا کرد. بعد از تأسیس مسجد کوفه، همانند سایر مساجد به دستور خلیفه برخی صحابه‌ی رسول خدا(ص) مأمور اقامه‌ی نماز، آموزش قرآن و مسائل دینی شدند.

با انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه در عهد امام علی(ع) این شهر و مسجد آن نقش مهمی در شکوفایی و جنبش علمی مسلمانان ایفاء کرد.

مکتب کوفه به مرکزیت مسجد جامع آن همواره مسیر رشد و ترقی را پیمود تا این که در آغاز خلافت بنی‌عباس از مراکز مهم حل و عقد علوم و معارف اسلامی شد و حتی با جامع بصره رقابت می‌کرد و مسائل و مبادلات علمی و ادبی بین این دو مرکز دینی و ادبی اسلامی در بارور ساختن علوم به مقدار زیادی مؤثر افتاد.

از طرف دیگر نیاز نو مسلمانان به خصوص ایرانیان به فراگیری زبان عربی زمینه را برای ضبط قواعد این زبان فراهم ساخت و بحث در قواعد دانش نحو و مطالب ادبی و نحوی روایت حدیث و نیز اختلاف در تلقی قواعد نحوی در بین نحویون بصره و کوفه به تدریج پیدایش دو مکتب بصری و کوفی را در مساجد این دو شهر که در حکم دو دانشگاه جدیدالتأسیس اسلامی بود موجب گردید (غنیمه، ۱۳۶۴، ۳۸۴).

از نقش ایرانیان در رونق علوم و معارف اسلامی در مکتب علمی و ادبی کوفه نباید غافل شد. چون کوفه و بصره که در سرزمین‌های ایرانی واقع بودند و همزمان با پیوستن این اراضی به قلمرو اسلام بنیاد گردیدند، مرکز تجمع ایرانیان مسلمانی شد که بر اساس نیاز، به آموختن زبان قرآن و دین اسلام به ایجاد زمینه‌های مساعد برای تعلیم و تعلم زبان عربی پرداختند و پس از آن شاهد رشد و شکوفایی علوم و معارف اسلامی در این مکتب هستیم.

با رونق گرفتن کوفه و با توجه به وجود ابزار و امکانات فراوان و آبادانی بیشتر، زمینه برای حرکت فکری و علمی نیز آماده گردید و نظریه‌ها و روش‌هایی پدید آمد، دانش و ادب رشد نمود و قوانینی ایجاد گردید که منجر به سامان‌دهی علوم شد.

مسئله‌ی مهم دیگری که در پیدایش مکتب علمی کوفه و شکوفایی آن تأثیر داشت حضور امام صادق(ع) در این شهر بود. در خلال انقراض خلافت بنی‌امیه و به قدرت رسیدن بنی‌عباس که با کمک ایرانیان و علویان صورت گرفت، فرصتی ایجاد شد که امام صادق(ع) به تجدید قوا پردازند و از راه‌های گوناگون تلاش کردند تا مبانی کتاب خدا و سنت پیامبر(ص) و علوم گوناگون آن را زنده سازند. در این دوره مکتب (مدرسه‌ی) کوفه مرکز ترویج مبانی تشیع و تربیت شاگردانی راستین شد. در اواخر زندگانی امام صادق(ع) حوزه‌ی علمی اسلامی از مدینه به کوفه انتقال یافت و کوفه که از روزگار امام علی(ع) مرکز تشیع بود، در این دوران و با حضور امام صادق(ع) همگی چشم‌ها به این شهر و مکتب علمی آن دوخته شد و از سراسر قلمرو اسلامی گروه‌های بسیاری برای دریافت حدیث و کسب علم در این مدرسه به سوی کوفه سرازیر شدند. ابن سعد در «طبقات» شرح حال تعداد ۱۵۰ تن از تابعان که در کوفه اقامت داشتند را ذکر کرده (ابن سعد، ۱۴۱۶، ۴۳۰ به بعد) و بیشتر آن‌ها دارای مقام والای معنوی و جایگاه بلند رهبری علمی و از راویان احادیث ائمه به ویژه امام صادق(ع) بودند. هر چند که مدت اقامت امام در کوفه بیش از دو سال به درازا نکشید (طبرسی ۱۳۹۹، ۲۷۸ - اربلی، ۱۴۰۱، ۲۳۹ - شمس الدین، ۱۹۵۳: ۷) اما با توجه به شرایط سیاسی پیش آمده و ایجاد فضایی نسبتاً آزاد، آن حضرت به ترویج مکتب اهل بیت(ع) پرداختند و شاگردانی تربیت کردند و ملاقات‌هایی با علمای فرقه‌هایی چون «جبریه»، مرجئه، جهمیه و قدریه» داشتند و پاسخ سئوالات و شبهات آن‌ها را ارائه می‌دادند و به این ترتیب امام صادق(ع) در شهرت مکتب علمی کوفه نقش عمده‌ای ایفا نمودند. به طوری که محمدبن معروف هلالی می‌گوید: «برای دیدار جعفر بن محمد(ع) به حیره رفتم و از بسیاری مردم که گرداگرد امام را گرفته بودند تا چهار روز فرصت دیدار او دست نداد، تا روز چهارم که امام برای زیارت قبر علی(ع) رهسپار شد، او را دیدم». (۵۱۸،) و نیز حسن بن علی بن زیاد و ثناء به ابن عیسی قمی می‌گوید: «من در مسجد کوفه ۹۰۰ تن از شیوخ را دیدم که همگی آنان در حوزه‌ی درس خود می‌گفتند، حادثی جعفر بن محمد(ع)» (نجاشی، ۱۴۰۷، ۴۰).

نکنه‌ی دیگری که در مکتب علمی کوفه و تحول و پیشرفت آن مؤثر بود وجود خاندان‌های دانشور در این شهر بود که در علوم قرائت، حدیث، فقه، کلام و سایر علوم سرآمد بودند و از اصحاب ائمه به ویژه امام سجاد(ع)، امام باقر(ع)، امام صادق(ع) و امام کاظم(ع) به شمار می‌آمدند و توانستند در رونق مکتب علمی کوفه مؤثر بوده و در ترویج تفکر شیعه تلاش نمایند.

مهم‌ترین این خاندان عبارتند از:

خاندان اعین، خاندان دراج، خاندان ابی‌رافع، خاندان نعیم ازدی، خاندان ابی‌اراکه، خاندان حر جعفی، خاندان نعیم صحاف، خاندان بنی‌رباط و ... (براقی نجفی، ۵۱۶-۵۰۲).

- مکتب کوفه و شکوفایی علوم:

در مکتب کوفه علوم مختلف پرورش داده شده و مورد توجه قرار می‌گرفت؛ از جمله: تاریخ، علوم ادبی، قرآنی، فقه، حدیث، کلام و حتی ریاضیات، نجوم و طب که در ادامه به نقش مکتب کوفه در پیدایش و شکوفایی دانش‌های مذکور پرداخته می‌شود.

۱- مکتب تاریخ‌نگاری عراق (کوفه):

مطالعات و تحقیقات تاریخی، با دو گرایش کلی که متمایز از دیگری است همواره رو به رشد بوده و مشخصاً گرایش‌های سنت و سیره‌ی نبوی و فتوحات و مفاخرات قومیتی به ترتیب در مکتب مدینه و کوفه دو جناح اصلی و بنیادین علم تاریخ را در جامعه‌ی صدر اسلام منعکس می‌کنند که در تمامی عرصه‌های زندگی آن دوران تأثیرگذار بوده‌اند و هر یک از این دو گرایش در دیاری از شهرهای اسلامی تبلور و ظهور یافته‌اند. در مکتب تاریخ‌نگاری عراق که منحصر به کوفه نیست، محور اصلی فتوحات و مفاخر قبیله‌ای می‌باشد.

در این راستا، مواد تاریخی و نوع روایات اولین نمایندگان این مکتب یعنی اخباریان و استمرار دیدگاه قبیله‌ای قبل از اسلام نسبت به حوادث یا ادامه روایات ایام و انساب عرب توسط روایات شعر و اخبار و شیوخ به شکل قبیله‌ای گزارش شده است که مستقیماً به ایام یا جنگ‌های فتوح عصر اسلامی، با حفظ ویژگی‌های قبیله‌ای یعنی مبالغه و مفاخر هدایت گردیده است.

مکتب عراق با بهره‌گیری از توان فکری اخباریان و تاریخ‌نگاران اولیه، همراه با تحولات سیاسی اجتماعی، تغییراتی را در بافت تاریخ‌نگاری خود شاهد بود، بدین ترتیب که جنگ‌های رده و فتوحات، مورد توجه قرار گرفت و تک‌نگاری‌هایی را توسط اخباریان شکل داد که هر یک مبین جریان‌اتی در سطح جامعه و یا دستگاه خلافت بودند.

از جمله این تک‌نگاری‌ها جنگ رده، فتوح، شوری، فتنه، جمل، صفین و ... را می‌توان نام برد. توجه به عناوین و موضوعات این تک‌نگاری‌ها، روندی رو به رشد را در تاریخ‌نگاری این مکتب مشخص می‌کند، بدین گونه که مورخ، فضایی بازتر از قبیله را در نظر گرفته، قبیله و حتی سرزمینش را جزئی از امت واحد اسلامی به شمار می‌آورد (الدوری، ۱۱۲، ۱۳۸۳) و علایق و حساسیت‌های او نیز محدوده‌ای وسیع‌تر را شامل می‌گردد.

مرکزیت کوفه در عهد امام علی(ع) و تبدیل بصره به صحنه‌ی نبرد در درگیری‌های خلافت، موضوعی بود که بسیاری از اخباریان را به خود مشغول داشت و دیگر فقط مسئله قبیله در نظر نبود، بلکه حکومت واحد، اندیشه‌ی وحدت، تجارب امت و پیوندشان با یکدیگر و نیز ارتباط بخشیدن به تاریخ تحولات عرب نیز در آثارشان مطرح شد، به طوری که سیف‌بن عمر جنگ‌های رده را به فتوح متصل کرده و ارتباطی بین این دو ایجاد می‌کند و ابومخنف، تاریخ صدر اسلام را تا جنگ صفین نقل نموده و سپس حوادث عراق را تا پایان عصر اموی پی می‌گیرد. (همان - ابن‌ندیم، ۱۳۸۱، ۱۵۸).

نکته‌ی حائز اهمیت در تحوّل و تطوّر مکتب تاریخ‌نگاری عراق انعکاس‌گرایش‌های مذهبی و عقاید سیاسی است، به طوری که ابومخنف و نصرین مزاحم بر گرایش‌های شیعی، عوانه‌بن حکم بر تمایلات اموی و عثمانی و سیف‌بن عمر بر نقش تمیم بافشاری می‌نمایند. رواج سبک نقادی در نقد راویان و ارزیابی احادیث همانند محلثان مدینه و نیز استفاده از داستان‌ها و قصص و اشعار مربوط به آن‌ها از اموری است که بین اخباریان، در مکتب تاریخ‌نگاری عراق (کوفه) راه یافت. از سوی دیگر، نسب‌شناسان با انگیزه‌های قبیله‌ای خود آثاری به جای گذاشتند که به مطالعات تاریخی کمک زیادی نمود.

آن چه تداوم فرهنگی در این زمینه را ایجاد می‌کرد، نه تنها تمایلات قبیله‌ای، بلکه مقابله‌ی موالی و مخالفت شعوبیان نیز بود و به موازات توسعه و تکامل فعالیت‌های تاریخ‌نگاری، مطالعات انساب نیز گسترده شد بطوری که اخبار و روایات و انساب مختص قوم و قبیله نقل و ضبط می‌شد، ولی در قرن دوم هجری با فعالیت نسابانی چون محمدبن سائب کلبی و ابوالیقظان که از احادیث قبائل دیگر نیز استفاده می‌نمودند، این شاخه را توسعه داده و تکمیل نمودند.

بنابراین مکتب تاریخ‌نگاری عراق رفته‌رفته از صورت تاریخ‌های قبیله‌ای، محلی و مجمل‌نویسی به صورت تحقیق، مقایسه و تفصیل درآمد و مؤلفین علاوه بر احادیث، روایات و

اشعار عربی، از منابع فارسی و سریانی و ... نیز بهره‌مند شدند و حوزه کار اخباریان به تدریج گسترش یافت و در قرن سوم، پژوهش‌های تاریخی به مرحله‌ای رسید که مورخانی بزرگ ظهور کردند و در آثار خود به تاریخ اسلام به مثابه‌ی سلسله حوادثی پیوسته و حاکی از وحدت امت اسلامی پرداختند و کتبی مانند التاریخ علی‌السنین اثر هشتم‌بن عدی ظهور پیدا می‌کند و نیز آثار عوانه‌بن حکم نشانه‌ای از آغاز خروج اخباریان از حوزه‌ی نگرش قبیله‌ای به تاریخ به شمار می‌رود. زیرا کتاب التاریخ و سیره‌ی معاویه و بنی‌امیه که شامل تاریخ بنی‌امیه است برای اولین بار عنوان تاریخ بر کتابی اطلاق شده است.

- گونه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی در مکتب کوفه:

با توجه به موارد مذکور در بحث پیدایش، تحول و تطوّر مکتب تاریخ‌نگاری کوفه و آثار مورخان آن می‌توان گونه‌های زیر را در تاریخ‌نگاری مکتب کوفه مشاهده نمود.

(۱) مقتل‌نگاری

عمده‌ترین مقتل‌نگاران مکتب کوفه از این قرارند:

جابر بن یزید جعفی: که از محلاتان و سیره‌نویسان شیعی مکتب کوفه است، که مقتل امیرالمؤمنین(ع) و مقتل الحسین را نگاشته است (صدر، ۲۳۴، ۱۳۸۱- نجاشی، ۱۲۸، شیخ طوسی، ۱۳۴۱، ۴۵، آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ۱۹۹/۱۵).

اصبغ بن نباته: که از اصحاب امام علی(ع) بوده و در آغاز قرن دوم رحلت نمود، او کتاب مقتل الحسین را نوشته است.

ابو مخنف لوط بن یحیی: صاحب مقتل علی(ع)، مقتل الحسین، مقتل محمد بن ابی بکر و الاشر، مقتل حجر بن عدی، مقتل ضحاک بن قیس، مقتل عبدالله بن زبیر و مقتل سعید بن العاص است (ابن ندیم، ۱۵۷)

هشام بن محمد سائب کلبی که در مقتل‌نگاری تبحر داشت و مقتل امیرالمؤمنین، مقتل حجر بن عدی، مقتل رشید و میثم، مقتل الحسین و مقتل عثمان را نگاشته است. (همان، ۱۶۱- نجاشی، ۴۳۴،

۲) تک‌نگاری

یکی از سبک‌های تاریخ‌نگاری اسلامی در مکتب کوفه تک‌نگاری است. با توجه به رقابت‌های قبیله‌ای و نیز گرایش‌های سیاسی، فرقه‌ای و مذهبی موجود در کوفه، تدوین و تألیف تک‌نگاری‌ها در مورد قبائلی چون تمیم، قریش و ثقیف در این مکتب رایج شد. علاوه بر تک‌نگاری در مورد قبیله‌ی خاص، تدوین تاریخ در موضوعات دیگر نیز در مکتب کوفه وجود داشت از جمله: آثار جابر بن یزید جعفی: شامل کتاب الجمل - کتاب الصغین، کتاب النهروان (شیخ طوسی، ۴۵- نجاشی، ۱۲۸)

ابو عمرو بن عامر بن شراحیل: در موضوع شوری (الشوری) کتاب نگاشته است. آثار ابومخنف: از مهم‌ترین اثرات تک‌نگاری او کتاب الجمل - کتاب اهل النهروان، کتاب الخوارج، کتاب المختارین ابی عبید، کتاب مصعب را می‌توان نام برد. نصر بن مزاحم مقرئ: او از اقدم اخباریان شیعه است و در نگارش اخبار به شیوه ایام و قصص تمایل داشت. آثار وی در تک‌نگاری شامل الغارات، وقعه الصغین و کتاب الجمل، اخبار مختار و مقتل حجر بن عدی است.

۳) فتوح، رده و مغازی:

عبیدالله بن ابی‌رافع به عنوان بنیان‌گذار مکتب تاریخ‌نگاری عراق نه تنها در سیره بلکه در مغازی هم تألیفاتی دارد و همگان وی را توثیق کرده‌اند. در آثار سایر مورخان مکتب کوفه از جمله شعبی قصص و اخبار مغازی روایت شده است که قطعه‌ای از مغازی او را خطیب بغدادی در دست داشته است. عوانه بن حکم نیز در اخبار فتوح برجسته بود و بیشتر روایات مدائنی از او نقل شده، اما به اسناد روایات توجهی نکرده است (بلاذری، ۳۱/۴).

سیف بن عمر تمیمی اخبار برجسته‌ای است که آثاری در جنگ‌های رده و فتوح دارد. ابومخنف نیز آثاری به فتوح اختصاص داده است و سه کتاب در این موضوع برای او ذکر کرده‌اند که عبارت است از:

۱. فتوح الشام. ۲. فتوح العراق. ۳. فتوح الاسلام (ابن ندیم، ۱۵۷، مسعودی، ۱۳۷۴، ۱/ ۲۱۶-۲۳۳)

۴) سیره‌نویسی:

هر چند که سیره‌نویسی بیشتر به مکتب مدینه اختصاص دارد ولی در کوفه نیز افرادی به این موضوع پرداخته‌اند از جمله عبیدالله بن ابی‌رافع کاتب حضرت علی(ع) که بنیان‌گذار مکتب تاریخ‌نگاری عراق نیز است و اولین نگاه‌ها را در موضوعات مغازی، سیر و رجال در اسلام تالیف کرد. جابر بن یزید جعفی نیز از سرآمدان سیره‌نگاری شیعه و مکتب کوفه محسوب می‌شود. (شیخ طوسی، ۷۳، ۱۱۸، ۲۴۵) علاوه بر آن ابو عمرو عامر بن شراحیل نیز به سیره پرداخته و عوانه بن حکم که گرایش اموی داشته سیره معاویه و بنی‌امیه را نگاه‌هاست. (ابن ندیم، ۱۵۴)

(۵) نسب‌شناسی (علم انساب):

علم نسب شاخه‌ای از دانش جامع تاریخ است و موضوع آن تبار و دوره‌ها است (آیینه‌وند، ۱۳۷۷، ۳۰۴).

یکی از شعب و گونه‌های مهم تاریخ‌نگاری در اسلام به خصوص تاریخ تشیع علم انساب می‌باشد و کتاب‌هایی در این زمینه نیز نگاه‌ها شده است. چون تاریخ تشیع با تاریخ خاندان پیامبر پیوند ناگسستنی دارد و تاریخ خاندان نبی اعظم اسلام(ص) به مقدار زیادی در کتب انساب ثبت و ضبط شده است.

در مکتب تاریخ‌نگاری کوفه محمد بن سائب کلبی از عالمان ثقه و از اصحاب امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است که منبع مورد استفاده اش در نسب‌شناسی ابو صالح نسابه هم نشین عقیل بن ابی طالب بود. او را به همراه فرزندش هشام از سرآمدان نسب‌دانان می‌دانند (حاجی خلیفه، ۱۴۱۴، ۱۷۸/۱ - ابن ندیم، ۱۶۰ - شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۳۷۰/۲). کتاب النسب الکبیر محمد و جمهره النسب هشام از عمده‌ترین کتب انساب محسوب می‌شود. پس از آن‌ها، هشیم بن علی بن عبدالرحمن طائی کوفی (متوفی ۲۷۰) اهمیت بسیاری در نسب‌شناسی دارد. وی در شناخت اصل و تبار قبائل دستی قوی داشته و مثال و معایب ایشان را هم می‌نوشت و از این جهت به نقل از ابن‌ندیم در نسبش طعنه‌هایی می‌زدند (ابن ندیم، ۱۶۶).

عوانه بن حکم نیز در انساب دستی داشته و در کتب تاریخ خود به این مسئله پرداخته است. در آثار ابومخنف هم نسب‌شناسی مشاهده می‌شود به ویژه آن که از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار او آن است که روایات وی اغلب قبیله‌ای است.

(۶) حولیات یا نگارش تاریخ بر اساس سالشماری:

در مکتب تاریخ‌نگاری کوفه هشتم‌بن عدی بن عبدالرحمن طائی کوفی را از آخرین راویان برجسته اخبار تاریخی و انساب در مکتب عراق دانسته و نخستین کسی است که اخبار سال‌شماری را تدوین کرده است (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۷۵، ۶۲). این امر نشان می‌دهد که در این مکتب، تاریخ‌نگاری دچار تحول شده و پیوندهای تاریخی میان حوادث صورت گرفته است. چون این شیوه که از بارزترین اشکال تدوین و عرضه‌ی مواد تاریخی است نسبت به شیوه‌ی خبر که سبک رایج تاریخ‌نگاری کوفه بود پیشرفته‌تر شده است.

۲- علوم ادبی

مکتب کوفه ناشی از طرز تفکر حاکم بر شهر سبک عربی داشت و مشخصه‌ی بارز آن ادبیات زبان عربی بود. برخی معتقدند که ادبیات زبان عربی، میراث کوفه است و این شهر از پیامدهای طرز تفکر هندی که امواج آن در بصره سرازیر شده بود و از ادبیات فارسی که مکتب بغداد را در بر گرفته بود، فاصله داشت ولی ایرانیان به شیوه‌ی ادبی آن تأثیر می‌گذاشتند. در واقع کوفه امانت علمی به ویژه ادبیات عرب را از حیره تحویل گرفت و بین کوفه و حیره وحدت مکانی، زبانی، زمانی، نژادی و در هم‌آمیختگی وجود داشت که باعث انتقال ویژگی‌های ادبی از حیره به کوفه شد، همان طوری که بدون هیچ تردیدی از کوفه به نجف منتقل گردید به طوری که نوعی مکتب لغوی در نجف پدید آمد که ادامه مکتب کوفه محسوب می‌شد. تعالیم آن نیز بر اساس تاکید بر قالب‌های سنتی استوار نبود و از این لحاظ نماینده‌ی جدیدی در علم لغت محسوب می‌شد. از طرف دیگر با توجه به این که نجف کاملاً شیعی بود در ادبیات منظوم و مثنوی آن نیز تأثیر داشت و نمودار احساسات و عواطف مذهبی پیروان آل علی (ع) بود. در مکتب ادبی نجف خطباء، شعرا و ادبای بسیاری مطرح شدند که صاحب‌اعیان‌الشیعه به آن‌ها اشاره کرده است. (سید محسن امین، ۴۰/۸ به بعد)

بنابراین مثلث نجف (فعلی)، حیره در جنوب و کوفه در شرق مرکز والای ادبیات عرب بود و مکتب کوفه در دوران متنبی تنها به زبان عربی اختصاص داشت. ابوالطیب کوفی معروف به متنبی از بزرگان سخن در کوفه متولد شد و در همان جا بزرگ شد و به شام رفت و به سیف‌الدوله حمدانی پیوست و به گفته‌ی ثعالبی در صنعت شعر نادره‌ی دهر بود (حسن ابراهیم حسن، ۱۳۶۶، ۶۷۹). قصاید وی با سبک مجلل و عبارات شیرین و مجازها و استعاره‌های پیچیده اثر فوق‌العاده

داشت و بزرگترین شاعر جهان اسلام است، به طوری که عبارات و ابیات او بعدها نیز فراوان به کار می‌آمد. (حتی، ۱۳۶۶، ۵۸۸)

با مراجعه به کتب مختلف از جمله الفهرست ابن‌ندیم به خوبی می‌توان دریافت که مکتب ادبی کوفه در این زمان رشد چشمگیری داشت و مدارس علمی و انجمن‌های ادبی شکل گرفت و به ویژه انجمن ادبی که از جمله اجتماعات و محافل مهم علمی - ادبی بود که در مسجد کوفه و حومه‌ی شهر تشکیل می‌شد.

کوفه و حومه آن مانند بازار عکاظ در عصر جاهلی و بازار مرید در بصره بود که بازار آن به سوق ابل شهرت داشت، سپس به صورت محله‌ی بزرگی درآمد و مردم در آنجا اقامت کردند و مجالسی به منظور تفاخر شاعران و محافل برای خطیبان تشکیل دادند.

از جمله علل ظهور شعر در مکتب کوفه، ارتباط آن‌ها با ملل متمدن بود که باعث شد ادبیات زبان عربی گسترش یابد. شعر سیاسی در کوفه بیشتر از سایر طبقات سروده می‌شد زیرا کمتر شاعری بود که به یکی از گروه‌های مشهور وابستگی نداشته باشد، به ویژه آن که کوفه بیشتر طرفدار حضرت علی(ع) بود و در کنار آن‌ها که از علویان یا هاشمیان محسوب می‌شدند، امویان، خوارج، خاندان زبیر و جز آنان هم اقامت داشتند. در عهد عباسی با توجه به میل و رغبت خلفاء و حکام به علم و ادب، مجالس شعر و شاعری رونق بیشتری پیدا کرد. مهم‌ترین شاعران کوفه عبارتند از:

منازل بن اعراف - مرداس بن خدام - عجرد - عمرو بن یزید بن هلال - عماره بن عقبه بن ابی معیط - علی بن ادیم بزار - علی بن خلیل - معاذ بن مسلم هراء نحوی (همان، ۵۴۲-۵۶۰). و مفضل ضبی که مجموعه‌ی شعر مفضلیات از اوست (ابن ندیم، ۱۱۶). در سایر علوم وابسته به ادبیات عرب، کوفیان در لغت، صرف و نحو نیز اقدامات و تألیفاتی داشتند و دانشمندانی پرورش دادند از جمله:

در علم لغت ابویوسف یعقوب بن اسحاق سکیت صاحب آثاری چون کتاب اصلاح المنطق، کتاب الالفاظ، کتاب الامثال، کتاب معانی الشعر الکبیر و معانی شعر الصغیر و یحیی بن زیاد اقطع (فراء) با آثاری مانند کتاب اللغات؛ کتاب الجمع و التثنیه فی القرآن، کتاب المقصور و الممدود و کتاب المذکر و المؤنث از اوست (همان، ۱۱۴، ۱۲۲، ۲۶۲-۲۶۳).

در علم نحو بعد از ابوالاسود دثلی که پایه‌گذار علم نحو بود، محمدبن حسن رواسی امام اهل کوفه در نحو محسوب می‌شد. (صدر، ۹۴).

فراء که در علم لغت سرآمد بود در نحو نیز کتاب الحدود را به دستور مأمون به رشته‌ی تحریر درآورد. (حسن ابراهیم حسن، ۶۷۵).

حمران بن اعین سنسن برادر زراره از امام سجاده(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) حدیث دریافت نموده و در نحو دستی توانا داشت. (شیخ طوسی، ۱۴۲) ابوالقاسم سعیدبن محمدبن سعید جرجی و قتیبه نحوی جعفی کوفی هم از نحویان کوفه محسوب می‌شوند. علی کسائی از بزرگان مکتب کوفه در قرائت قرآن(ابن ندیم، ۵۲) و از سران نحو این شهر بود که تعلیم امین و مأمون را بر عهده داشت.

در علم صرف معاذالهره فرزند مسلم بن ابوساره‌ی کوفی از موالیان انصار که از نحویان مشهور بود و نخستین کسی است که علم تصریف را به وجود آورد. ابوالحسن کسائی نزد وی شاگردی کرده و بدین جهت به هراه مشهور شد که لباس‌های هراتی می‌فروخت. شیخ مفید معتقد است که معاذالهره از یاران و نزدیکان و شخص مورد اعتماد امام صادق(ع) و از فقهای پرهیزکار بوده است (شیخ مفید، ۱۷۸۲).

۳- علم قرائت قرآن

علم قرائت همچون سایر علوم قرآنی مراحل مختلف را پشت سر گذاشت و دورانی را به خود دید تا سرانجام به صورت علمی مستقل درآمد و جایگاه ویژه‌ای در علوم قرآنی به خود اختصاص داد. مصحف علی(ع) در چگونگی قرار گرفتن سوره‌های قرآن از مهم‌ترین منابع در موضوع قرآن و قرائت آن است (ابن ندیم، ۴۷).

در علم قرائت، معانی و غرائب قرآن ابان بن تغلب، در مجازات قرآن فراء یحیی بن زیاد و در احکام قرآن محمدبن سائب کلبی از متقدمان محسوب می‌شوند. از بین قراء سبعة نیز سه نفر قاری کوفه بودند که عبارتند از:

عاصم بن ابی‌النجد (م ۱۲۸) : که دو راوی او حفص بن سلیمان و ابوبکر بن عباس هستند. حفص عاصم را دقیق‌تر و مضبوط‌تر می‌دانست و این قرائت توسط او منتشر شد و تا امروز متداول است و همین قرائت در اکثر کشورهای اسلامی وجود دارد.

حمزه بن حبيب زيات (م ۱۵۶): که دو راوی او خلف بن هشام و خالد بن خالد هستند و قرائت را با واسطه از او گرفته‌اند.

علی بن حمزه کسائی (م ۱۸۹): که دو راوی او لیث بن خالد و حفص بن عمر هستند. البته بعد از این سه نفر سلیمان بن مهران اسدی (م ۱۴۸) است که دو راوی او شنبوذی و مطوعی با چند واسطه از او روایت کرده‌اند (معرفت، ۱۴۱۹، ۱۴۷-۱۴۸).

۴- تفسیر قرآن

مدرسه‌ی تفسیری کوفه از نظر گستردگی در تعلیم و تعلم معانی قرآن، فقه و حدیث پس از مکه قرار داشت (معرفت، ۲۹۰). برخی مدرسه‌ی تفسیری عراق را ترکیبی از مدرسه‌ی کوفه و بصره معرفی کرده‌اند. و برخی نیز تنها با عنوان مدرسه‌ی تفسیر عراق به معرفی عده‌ای از تابعان تفسیر پرداخته‌اند.

مکتب تفسیری کوفه را صحابی بزرگ عبدالله بن مسعود که از مفسران اولیه بوده و آراء وی در کتب تفسیری زیاد نقل شده (عقیقی بخشایشی، ۱، ۲۲۱/۱۳۷۱) پایه‌گذاری نمود. از دیگر مفسران تابعی و از اصحاب و شاگردان امام سجاده (ع)، ابو عبدالله جابر بن یزید جعفی است که نماینده‌ی عمده و اصلی امام باقر (ع) نیز در کوفه بود. شیوه‌ی تفسیر او منقول و مأثور است و از افراد موثق و جلیل‌القدر به شمار می‌رود (زرکلی، ۱۹۹۲، ۱۰۵/۲).

در مکتب تفسیری کوفه، نخستین تفسیر فقهی از محمد بن سائب کلبی است که از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است. البته وی تفسیر تاریخی و نقلی از آیات هم داشته است که غالباً مبتنی بر نقل قصص بود.

قریب به اتفاق اهل سنت و شیعه نخستین تفسیر مدون را از سعید بن جبیر دانسته‌اند. (ابن خلکان، ۱۳۶۷، ۳۷۱/۲- ابن ندیم، ۵۷، ۶۳، ۱۴۵- احمد امین، ۳۶۷/۱- ذهبی، ۱۴۲۱، ۱۴۴/۱) او در سال ۴۵ هجری در کوفه زاده شد و شاگرد عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر بود و از برجسته‌ترین و فرهیخته‌ترین تابعینی بود که به سبب داشتن عقاید شیعی به دست حجاج بن یوسف ثقفی به شهادت رسید (۹۴ یا ۹۵ هجری). کشی از امام صادق (ع) روایت می‌کند که فرمودند: سعید بن جبیر به علی بن الحسین (ع) اقتدا می‌کرد و حضرت هم او را می‌ستود و حجاج بن یوسف به همین سبب او را شهید کرد او در راه حق، مستقیم و استوار بود. (کشی، ۱۳۴۸، ۱۱۹) روایات طبری و منابع دیگر نشان می‌دهد که تفسیرهای او جنبه‌ی لغوی و تاریخی داشته و کل قرآن را نیز در نظر

می‌گرفته است. تفسیر ابن جبیر از مهم‌ترین منابع در حوزه‌ی علم تفسیر است و دلیل آن نقل و قول‌هایی است که از آن در آثار قرن دوم هجری دیده شده و به آثار متأخر راه یافته است. تفسیر ابن جبیر در بردارنده‌ی مسائل معاد شناختی، فقهی، تاریخی و واژه‌شناسی است (فواد سزگین، ۱۳۸۰، ۶۵، ۶۶).

تفسیر سفیان ثوری (متوفی ۱۶۱) و تفسیر سفیان بن عیینه از نوع تفسیر تشریحی یا توصیفی بوده که غالباً به شرح لغوی و ائزان آیات می‌پرداختند. ابو عبیده معمر بن مثنی مؤلف تفسیر مجاز القرآن نیز به تفسیر ادبی و زبان‌شناختی قرآن پرداخت. (ابن سعد، ۹۲/۶ - ذهبی، ۱۷۸) نوع دیگر تفسیر در مکتب کوفه تفسیر معانی القرآن است که هدف آن نه تنها تفسیر متن قرآن بلکه تبیین نکات برجسته محتوایی و مربوط به سبک و سیاق آیات است و در واقع این نوع تفسیر به توضیح مفردات قرآن در کنار قواعد ادبی و شعر و اختلاف قرائت می‌پردازد و کمتر به جهات تاریخی و نقل افسانه‌ها توجه دارد. یکی از نخستین آثار در این زمینه معانی القرآن فراء (۲۰۷ هجری) است. (احمد امین، ۱۴۰/۲ - معرفت، ۱۴۱۹، ۵۰۳/۲)

- مشخصات مکتب تفسیری کوفه

تدوین تفسیر قرآن از مکتب کوفه آغاز گردید. سعید بن جبیر در میان تدوین کنندگان تفسیر از همه مقدم‌تر است و به نظر می‌رسد که نخستین کسی است که تمام قرآن را تفسیر کرد. در مکتب تفسیری کوفه اکثر مفسران، محلات، فقیه، مورخ، سیره‌نویس و لغت‌دان بودند و این موضوع بر غنای تفسیر قرآن می‌افزود. به عنوان نمونه علقمه بن قیس، مسروق بن اجدع همدانی کوفی، اسود بن یزید، سعید بن جبیر، جابر بن یزید جعفی و فراء نه تنها بر علم تفسیر قرآن تسلط داشتند بلکه در سایر علوم نیز عالم بودند.

نقد تفسیر دیگران و توصیه به رهایی از تفسیر اجتهادی به طوری که عامر شعبی با ابوصالح باذان که از معاصران خود بود، برخورد می‌کند و می‌گوید: «آیا در حالی که تفسیر قرآن می‌پردازی که هنوز خواندن قرآن را فراموش کرده‌ای» (طبری، ۱۴۱۲، ۴۰/۱).

مفسران مکتب کوفه به خاطر داشتن تفکر شیعی مورد اعتماد شیعه هستند به طوری که سعید بن جبیر که در باب تفسیر اعلم تابعین است به علت داشتن عقاید شیعی به دست حجاج به شهادت رسید.

به نظر می‌رسد در مکتب کوفه دو نوع روش تفسیری یعنی تفسیر قرآن به قرآن و تفسیر قرآن به سنت یا تفسیر روایی مورد استفاده قرار می‌گرفت:

۵- علم حدیث

مسجد کوفه از زمان حکومت امام علی(ع) مهم‌ترین پایگاه تعلیم و آموزش حدیث بود. در دوران ائمه به ویژه امام صادق(ع) این شهر مرکزیت بیشتری یافت و حضور خاندان بزرگ اعیان کوفه سبب رشد دانش حدیث امامان در این شهر شد. در واقع مسافرت امام صادق(ع) به کوفه و اقامت دو ساله‌ی ایشان بر شکوه علمی آن به خصوص در حوزه‌ی حدیث و گسترش روایان حدیثی افزود. به طوری که حسن بن علی بن زیاد و شامه موفقی به درک نهصد نفر از شاگردان امام صادق(ع) در مسجد کوفه شده است (نجاشی، ۱۳۷).

شهر کوفه در قرون چهارم و پنجم هجری دارای چنان اهمیتی شد که محلثان بزرگ از سراسر جهان تشیع از جمله ایران، به کوفه مهاجرت می‌کردند تا از روایان معتبر و بی‌واسطه روایات را نقل کنند، مانند کلینی که برای تدوین کافی به کوفه سفر کرد (مودب، ۱۳۸۰، ۱۱۴).

از طرف دیگر محلثان کوفه به علت نزدیکی به حجاز و محل حضور ائمه، در تدوین مجموعه‌های حدیثی از جمله کتب اربعه در دوران متقدمان نقش زیادی داشتند. به گونه‌ای که روایان کوفی در سلسله اسناد و روایان کتب اربعه فراوان هستند و مسجد کوفه و دیگر محله‌های آن محل نشر روایات و تدریس مشایخ حدیث بود. نکته مهم دیگر تاثیر عمیق مکتب علمی کوفه بر مکتب حدیثی قم است دلیل این مدعا بنیانگذاری مکتب حدیثی قم توسط اشعریان مهاجر از کوفه می‌باشد. اینان از جمله قبایل ساکن در کوفه بودند که به جهت ظلم و ستم و فشار فراوانی که حجاج بن یوسف ثقفی بر آن‌ها روا می‌داشت مجبور به مهاجرت شده و به قم آمدند. عالمان این خاندان محافل علمی در آن جا تاسیس نمودند که نهایتاً منجر به شکل‌گیری مکتب قم گردید.

(حسینیان مقدم و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۶۷/۲)

بیوتات حدیثی شیعه نیز که در کار نشر حدیث و آموزش فقه و علوم دینی سهیم بودند نقش به‌سزایی در پیشرفت این علم در کوفه داشتند از جمله:

خاندان ابو رافع که از شیعیان علی(ع) بودند. ابو رافع در کتاب‌هایی چون السنن و الاحکام و کتاب القضا یا زنجیره‌ی روایات را بخش به بخش در زمینه‌ی نماز، روزه، حج، زکاة و قضا یا یاد می‌کند.

آل ابی شعبه الحلیون که از بهترین شعب امامیه بوده و در نقل حدیث از اهل بیت (ع) مورد اعتماد می‌باشند.

آل اعین از بزرگترین بیوتات و رجال حدیثی شیعه محسوب می‌شوند (معارف، ۱۳۷۶، ۳۵۸-۳۶۶) در مکتب کوفه از بزرگان علم روایت و حدیث می‌توان به افراد زیر اشاره نمود:

اصبع بن نباته، عبدالله بن مسعود، عامر بن شراحیل شعبی، سفیان ثوری، جابر بن یزید جعفی، میثم تمّار، حذیفه بن یمان. (ابن سعد، ۲۱۴/۶-۲۱۵- کشی، ۱۲۶-۱۲۷- حتی، ۳۱۳)

نکته‌ی مهمی که در بحث حدیث باید مدنظر قرار گیرد آن است که ممنوعیت نقل حدیث توسط خلفاء زمینه را برای جعل حدیث و گم شدن حقایق در بین مجعولات فراهم ساخت و اختلافات بین مسلمانان را بیشتر کرد و در نتیجه فرهنگ غنی اسلام آلوده به خرافات گردید و دسترسی به سرچشمه‌ی معارف اسلامی مشکل شد.

از این جهت ائمه (ع) برای رفع این معضل برای اصحاب خود ملاک‌های تشخیص حدیث صحیح از غیر صحیح را تعلیم دادند. از جمله‌ی این ملاک‌ها حالات راوی است که منجر به ضبط و ثبت آن نیز گردید و در نهایت به تألیف کتب رجال، فهرست اصول و کتاب‌های اصحاب و راویان انجامید. مکتب کوفه در این باب نیز پیشقدم بود. با عنایت به این که روش کتب طبقات عموماً مورد استفاده علم رجال و حدیث بود شاید بتوان گفت پیش‌تاز این روش عبید الله بن ابی رافع کاتب امیر مومنان علی (ع) بود که کتابی با عنوان (تسمیه من شهد مع امیر المومنین فی حروب الجمل والصفین والنهروان من الصحابه) نوشت. (شیخ طوسی، ۱۳۵۱، ۲۲۰- شیخ آقابزرگ تهرانی، ۸۰/۵) از این رو وی از نخستین کسانی است که در رجال و طبقات تألیف داشته است.

۶- علم فقه

علم فقه از وسیع‌ترین و گسترده‌ترین علوم اسلامی است و تاریخ آن از دیگر علوم اسلامی قدیمی‌تر است و در همه‌ی زمان‌ها در سطح گسترده‌ای تحصیل و تدریس می‌شد. در عصر ائمه (ع) این بزرگواران به بیان اصول و قواعد کلی در مسائل فقهی پرداخته و تفریع و استنتاج احکام جزئی را بر عهده پیروان خویش نهاده و شخصاً طرز اجتهاد و روش فقه استدلالی را به شاگردان خود می‌آموختند در این دوره برای استنباط احکام شرعی از روی آوردن به قیاس و رای اجتناب شده و دو گونه فقه در جامعه شیعی وجود داشت:

جنبش استدلالی، اجتهادی و تعقلی که در مسائل فقهی با در نظر گرفتن احکام و ضوابط کلی قرآن و حدیث به اجتهاد معتقد بود
خط سنت گرا که به نقل و تمرکز بر احادیث تکیه داشت و به اجتهاد متکی بر قرآن و حدیث
توجهی نمی کرد.

از این جهت می توان گفت از جمله مشخصات فقه شیعی در دوره حاکمیت مکتب کوفه
پیدایش اصول کلی استنباط بود.

مکتب کوفه در علم فقه اندیشمندان و عالمانی را تربیت نمود و به جهان اسلام معرفی کرد.
فقه‌های تابعی کوفه در چهار طبقه قرار می گیرند: (به ترتیب سال وفات)

در طبقه اول فقه‌های علقمه بن قیس - مسروق بن اجدع - عبیده بن عمرو - اسود بن یزید
نخعی - شریح قاضی و حارث بن اعور قرار دارند.

طبقه دوم فقه‌های شامل ابراهیم نخعی - شعبی (عامر بن شراحیل) می گردد.

طبقه سوم فقه‌های ابن عیینه، ابن ابی ثابت - حماد ابن ابوسلیمان، ابوشبرمه و ابن ابی لیلی را در
بر می گیرد.

در طبقه چهارم فقه‌های کوفه حسن بن صالح، سفیان ثوری، شریک بن عبدالله قاضی قرار دارند
(ابن نعیم، ۱۳۵۱، ۹۸/۲-۱۰۲؛ ابن سعد، ۱۸۸/۶-۱۹۹).

دو نکته‌ی مهم در رابطه‌ی با علم فقه در مکتب کوفه عبارتند از:

قول مشهور آن است که نخستین تألیف کتاب فقهی، در مکتب کوفه انجام شده است.

پیدایش خوارج و فقه و فقه‌های آن‌ها در کوفه صورت گرفته است. از مشهورترین فقه‌های خوارج ابو
فراس جبرین غالب، ابوالفضل قرطوسی، ابوبکر بردعی، ابوالقاسم حدیثی و نافع بن ارق هستند (ابن
ندیم، ۴۳۰-۴۳۱).

۷- علم کلام

درباره‌ی زمان پیدایش علم کلام به عنوان علم دفاع از اصول دین در بین مسلمانان به طور دقیق
نمی توان اظهار نظر کرد. آنچه مسلم است آن است که در نیمه‌ی دوم قرن اول هجری پاره‌ای از
مسائل کلامی مثل جبر و اختیار و عدل در میان مسلمانان مطرح شده (مطهری، ۱۳۶۷، ۱۷/۲).

اما با توجه به این که کوفه در حین فتوحات مسلمانان بنا گردید و عرب و غیر عرب در کنار هم
در این شهر به سر می بردند، مسلماً اختلاف عقیده به وجود آمد. به ویژه وجود خوارج در این شهر

به تدریج باعث ایجاد مباحث کلامی گردید. بنابراین از یک طرف برخورد فکری مسلمانان عرب با تازه مسلمان غیر عرب و از طرف دیگر اختلافات عقیدتی بین مسلمانان در مسائل مختلف منجر به پیدایش علم کلام در کوفه گردید، به طوری که در سایر مکاتب کلامی از جمله بغداد تاثیر زیادی داشت تا آن جا که می توان گفت مکتب کلامی بغداد محصول مکتب کوفه است چون با مهاجرت عده ای از شیعیان به بغداد برخی از محلات این شهر رنگ شیعی به خود گرفت و زمینه گسترش فقه و حدیث و به ویژه کلام شیعی مساعد گشت به طوری که از دوران امام هفتم (ع) به بعد شهر بغداد فقها، محدثان و متکلمان نام آوری به خود دید و در طبقه یاران ائمه (ع) می توان از تعدادی چون سعید بن جناح، محمد بن ابی عمیر، یونس بن عبدالرحمان و هشام بن حکم و ... یاد نمود. (نجاشی، ۴۳۳- شیخ طوسی، ۱۳۴۱، ۱۰۸، ۱۰۵، ۹۴، ۹۳ و...) و در عصر آل بویه نیز علوم اهل بیت از جمله علم کلام در بغداد متمرکز شد و رجال بزرگی چون ابن قولویه، شیخ مفید، شریف رضی، شریف مرتضی و شیخ طوسی ظهور کردند.

از متکلمان برجسته مکتب کوفه می توان به افراد زیر اشاره نمود:

هشام بن حکم، صعصعه بن صوحان عبدی کوفی، میثم تمار، کمیل بن زیاد نخعی کوفی، حارث اعور همدانی، مومن الطاق، اصبح بن نباته، هشام بن سالم (صدر، ۵۴۴-۵۶۱- مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳، ۳۱۷)

در علم فرق که از عقاید کلامی گروه های مختلف اسلامی و ماهیت آنها بحث می کند هشام بن محمد سائب کلبی پیشگام است (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۱۶/۱۷۴).

۸- علوم شیمی، طب، نجوم و ریاضیات:

مکتب علمی کوفه نه تنها در علوم اسلامی بلکه در سایر علوم نیز پیشتانز و فعال بود. جابر بن حیان کوفی از شاگردان خاص امام صادق (ع) اولین کسی است که جنبه ی مادی و شیمیایی را از جنبه غیر مادی و روحانی در علم کیمیا جدا کرد و شیمی را به معنای جدید پایه گذاری نمود. جابر آثار زیادی درباره ی انواع گوناگون علوم به خصوص کیمیا نوشت و رشته ی شیمی را یک بار برای همیشه در جهان اسلام تأسیس کرد (نصر، ۱۳۵۰، ۱۳۸). وی نظریه ی قدیمی را که هویت مواد موجود در ترکیب برای ایجاد ماده ی جدید از بین می رود را رد کرد و احتراق فرآیندی را تعریف نمود که در آن انرژی نهفته در عناصر در حال سوختن آزاد می شود و ماده های بدون اشتعال از آن بر جای می ماند.

مهم‌ترین تألیفات جابر مجموعه‌ی صد و دوازده کتاب است که بعضی از آن‌ها را به برامکه اهداء کرده بود و دیگری هفت کتاب است که قسمت عمده‌ی آن به لاتین ترجمه شده و نیز کتاب الموازین که در آن نظریه‌ی میزان آورده شده و مبنای همه‌ی کیمیای جابری است (همان، ۲۶). و با توجه به خدمات برجسته‌ی جابر در علم شیمی جورج سارتون نیمه‌ی دوم قرن هشتم میلادی را به عصر جابربن حیان نام‌گذاری کرده است (سارتون، ۵۲۴/۱).

در علم طب نام یوسف یعقوب بن اسحاق کندی (فیلسوف العرب) مشهور است. اجماع مورخان وی را از مردم شهر کوفه می‌دانند و پدرش اسحاق بن صباح از طرف دولت بنی عباس (مهدی - هارون) حاکم شهر کوفه بود. ولی ابن جلیجل معتقد است که او از مردم بصره است (ابن جلیجل، ۱۳۴۹، ۴۶، ۴۷ و ۱۴۸). وی در علوم مختلف از جمله طب، فلسفه، حساب، منطق، هندسه، طبایع اعداد، هیأت افلاک، علم احکام نجوم و تألیف الحان (ساختن آهنگ‌ها) تبجر داشت و فیلسوف علی الاطلاق در اسلام کسی غیر از او نبود و تألیفات زیادی در علوم فوق داشت (ابن ندیم، ۲۵۵، ۲۶۱، ۵۰۹ - ابن عبدالبر، ۲۵۹).

از دیگر اطباء در مکتب کوفه ابن ابجر (ابجر) است که پزشکی دانا و دانشمندی ارجمند بوده. ابن حجر عسقلانی او را کنانی کوفی می‌داند. وی می‌گوید او داناترین مردم در طب بود و در کار طبابت از کسی مزد نمی‌گرفت (ابن حجر، ۳۹۴/۱۹۹۵، ۶ - ۳۹۵).

ابن قتیبه نیز وی را از قبيله کنانه و از پزشکان شهر کوفه معرفی می‌کند (ابن قتیبه، ۱۹۶۹، ۲۳). وی در روزگار خلافت بنی مروان می‌زیست و پزشک خلیفه عمر بن عبدالعزیز بود (ابن جلیجل، ۱۳۰).

در دانش ریاضیات و نجوم برجسته‌ترین عالم و دانشمند کوفی ابو زهیر حارث بن عبدالله همدانی است که تابعی برجسته کوفی محسوب می‌شود و به دانش وسیع در امور دین، فقه و علم حساب شهرت داشت (مدرسی طباطبایی، ۷۱). ابن سعد وی را در روایت ضعیف و قول او را دروغ می‌داند (طبقات، ۴۴۶/۶ - ۴۴۷).

حارث در علم نجوم چنان تبجر داشت که منصور در رابطه‌ی با خروج نفس زکیه از وی پرسید و او جواب داد که از چه بیم داری به خدا اگر همه‌ی جهان را بگیرد بیش از نود روز نماند (حسن ابراهیم حسن، ۳۰۲). ذکر این نکته نیز ضروری است که یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی

مکتب تاریخ‌نگاری عراق نسبت به سایر مکاتب استفاده از نجوم و تنجیم در تصحیح و ضبط حوادث تاریخی است. بنابراین علم نجوم و احکام آن در مکتب کوفه نقش مهمی ایفاء می‌نمود.

نتیجه

۱- شهر کوفه از بدو پیدایش به واسطه ترکیب جمعیتی، مرکزیت حکومت و حضور صحابه بزرگ پیامبر (ص) و شیعیان خاص امام علی (ع) و ویژگی‌های دیگر مرکز تحولات سیاسی و فرهنگی جهان اسلام محسوب می‌شد.

۲- حوزه علمی کوفه از نظر ابداع و نوآوری در علوم و شیوه‌های علمی در درجه‌ی اول اهمیت قرار داشت و نخستین نوشته‌ها در فقه، کلام و تفسیر مربوط به مکتب کوفه است.

۳- عالمان کوفه در پاسداری از موارث اهل بیت (ع) و تشیع از دیگر شهرها و مکاتب نقش بیشتر و مؤثرتری داشتند.

۴- غنی بودن و جامعیت علمی اندیشمندان کوفه در علوم مختلف در شکوفایی این مکتب و نیز علوم مربوط به آن بسیار مؤثر بود.

۵- روش‌ها و شیوه‌های مختلف‌فیدر علوم چون حدیث، تفسیر، فقه و تاریخ همگام با تحولات سیاسی - فرهنگی در مکتب کوفه مورد عنایت قرار گرفت.

۶- وجود خاندان‌های دانشوری چون آل اعین، ابو رافع و ابن دراج و نیز محدثان، شاعران، مورخان، ادیبان، مفسران و فقهاء فراوان سبب شکل‌گیری مکتب علمی - فرهنگی مستقلی در کوفه گردید.

۷- مکتب کوفه بر مکاتب کلامی بغداد و حدیثی قم تأثیر عمیق و به سزایی داشته است.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- آیین‌وند، صادق. (۱۳۷۷). علم تاریخ در گستره‌ی تمدن اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول
- ۲- ابن ابی الحدید، عبدالحمید. (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۳- ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع. (۱۴۱۶). الطبقات الکبری، ریاض عبدالله عبدالهادی، بیروت، دار احیاء التراث العربی
- ۴- ابن خلکان، محمد. (۱۳۶۷). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، قاهره، السعاده
- ۵- ابن نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله. (۱۳۵۱). حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، قاهره، السعاده
- ۶- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم. (۱۹۶۹). المعارف، تحقیق ثروت عکاسه، قاهره، دارالمعارف
- ۷- ابن جلجل، سلیمان بن حسان. (۱۳۴۹). طبقات الاطباء و الحكماء، ترجمه و تعلیقات محمد محمد کاظم امام، تهران، دانشگاه تهران
- ۸- ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۱). الفهرست، ترجمه محمد رضا تجدد، تهران، انتشارات اساطیر
- ۹- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۹۹۵). الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ۱۰- ابن عبدالبر القرطبی. (۱۳۲۸). الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، بیروت دار احیاء التراث العربی اربلی، ابن ابی الفتح. (۱۴۰۱). کشف الغمه فی معرفه الائمه، بیروت، دارالاضواء
- ۱۱- الرفاعی، انور. (۱۳۸۴). تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی، ترجمه عبدالرحیم قنوت، مشهد، جهاد دانشگاهی
- ۱۲- الدوری، عبدالعزیز. (۱۳۸۳). بحث فی نشأه علم التاریخ عند العرب، بیروت، مطبعه الكاثولیکه امین، احمد (بی تا) ضحی الاسلام، بیروت، دارالکتب العربی
- ۱۳- امین، سید محسن. (۱۴۰۳). اعیان الشیعہ، بیروت، دارالمعارف للمطبوعات

- ۱۴- براقی نجفی، سید حسین. (۱۳۸۱). تاریخ کوفه، ترجمه سعید راد رحیمی، مشهد، آستان قدس رضوی
- ۱۵- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۴۰۴) انساب الاشراف، به کوشش محمد حمید الله، قاهره، دارالمعارف
- ۱۶- جعیط، هشام. (۱۳۸۱) کوفه پیدایش شهر اسلامی، ترجمه ابو الحسن سرو قد مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی
- ۱۷- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله. (۱۴۱۴). کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالفکر
- ۱۸- حتی، فیلیپ خلیل. (۱۳۶۶). تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات آگاه
- ۱۹- حسن ابراهیم حسن. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات جاویدان
- ۲۰- حسینیان مقدم، حسین و دیگران. (۱۳۸۴). تاریخ تشیع (۲)، تهران، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- ۲۱- ذهبی، محمد حسین، (۱۴۲۱) التفسیر و المفسرون، بیروت، دار الیوسف
- ۲۲- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۹۲). الاعلام، بیروت، دارالعلم للملایین
- ۲۳- سارتون، جرج. مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، دفتر ترویج علوم و وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، بی تا
- ۲۴- سجادی، صادق و عالمزاده، هادی. (۱۳۷۵). تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سمت
- ۲۵- سزگین، فواد. (۱۳۸۰). تاریخ التراث العربی، ترجمه، تدوین و آماده سازی موسسه نشر فهرستگان، تهران، خانه کتاب
- ۲۶- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. (۱۳۸۴). الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی تهران، امیرکبیر
- ۲۷- شمس الدین، محمد رضا (۱۹۵۳) حدیث الجامعه النجفیه، نجف، مطبعه العلمیه
- ۲۸- شیخ آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۸). الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان
- ۲۹- صدر، سید حسن. (۱۳۸۱). تاسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ترجمه علی مشتاق عسکری، تهران، دارالکتب الاسلامیه

- ۳۰- طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۲). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر
- ۳۱- (۱۴۱۲) جامع البیان عن تاویل آی القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه
- ۳۲- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۴۱). اختیار معرفه الرجال، تصحیح سید حسن مصطفوی، تهران، دانشگاه تهران
- ۳۳- (۱۳۵۱) الفهرست، به کوشش محمد رامیار، مشهد، دانشگاه مشهد
- ۳۴- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۷۱). طبقات، مفسران شیعه، قم، دفتر نشر نوید اسلام
- ۳۵- غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۶۴). تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسائی، تهران، دانشگاه تهران
- ۳۶- کشی، ابو عمر محمد بن عمر (۱۳۴۸) الرجال، تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد
- ۳۷- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷) آشنایی با علوم اسلامی جلد ۲ و ۳، تهران، انتشارات صدرا
- ۳۸- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۴). مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
- ۳۹- معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۹) التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- ۴۰- مفید، محمد بن محمد بن نعمان. (بی تا) الارشاد، انتشارات علمیه اسلامیة
- ۴۱- منتظرالقائم، اصغر (۱۳۸۶). تاریخ اسلام تا سال چهل هجری، اصفهان، دانشگاه اصفهان با همکاری سمت،
- ۴۲- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷). رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین
- ۴۳- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله بن عبدالله (۱۳۹۹). معجم البلدان، بیروت، داراحیاء التراث العربی
- ۴۴- یعقوبی، احمد بن ابی واضح (۱۳۵۶). البلدان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۴۵- نصر، سید حسین (۱۳۵۰). علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، نشر اندیشه